



۱۴

آنچه زنان از واکسن کرونا باید بدانند

همکاری‌های علمی در عصر کرونا



۱۵



۱۶

صنایع دستی سرزمین رها شده!

زندگی

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ شماره ۶۰۰۰



حق با شماست

info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

● خیابان- خطکشی

چوادیان از تهران:

بعضی از خیابان‌های پایتخت که به تازگی آسفالت شده چند ماه بدون خطکشی است و این موضوع خصوصا در دست اندازها و شب‌ها برای رانندگان مشکل آفرین شده است.

● بوستان- ابریشم

چابری از تهران:

بوستان ابریشم واقع در محله تختی و شهرک شهید بهشتی منطقه ۱۶ از امکانات تفریحی و ورزشی مناسب محروم است. لطفا فکری به حال این بوستان بشود.

● پول- مدرسه

یک شهروند:

باز هم بازار گرفتن پول زور از خانواده دانش‌آموزان داغ شده است. مسئولان دانم می‌گویند این کار تخلف است در حالی که پشت‌پرده به مدیران دستور می‌دهند از مردم پول بگیرند. اگر واقعا تخلف است چرا با مدیران خاطی قاطعانه برخورد نمی‌شود؟

● قیمت- گوشت

عبده‌الهی از تهران:

علاوه بر قیمت بالای گوشت قرمز، گوشت سفید از جمله ماهی نیز به کیلویی ۵۵ تا ۶۵ هزار تومان رسیده است. مسئولان به فکر گرانی کالاها ی اساسی باشند.

● مسکن- تورم

یک شهروند از تهران:

قیمت مسکن بیش از ۱۰ برابر گران شده و در روزهای اخیر ثابت مانده و این درحالی است که مسئولان می‌گویند قیمت مسکن ارزان شده است. از مسئولان مربوطه خواهم شدم حرف‌هایشان را مستند و ثابت کنند.

● سگ- گردانی

زهرا بی از تهران:

بسیاری از افراد، سگ‌های خود را در پارک‌های محله تهرانپارس رها کرده‌اند و این سگ‌ها به کودکان حمله می‌کنند.

● جوابیه

در پی درج پیامی سه‌شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ با عنوان «نیاز به بازسازی سرویس بهداشتی» سرپرست روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۳ شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: براساس گزارش کارشناسی شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۳، بوستان حافظ واقع در فلکه دوم نیروی هوایی تنها بوستان محلات نیروی هوایی و پیروزی است و بوستان یادشده و سرویس بهداشتی آن در پروژه بازسازی فلکه دوم که امسال به اتمام رسید، کاملاً بازسازی و نوسازی شد.

دختر جوان شوشتری با راه اندازی کارگاه خیاطی برای زنان سرپرست خانوار اشتغالزایی کرده است

اشتغالزایی بانخ و سوزن



لیلا شوقی

جامعه

● بهمن ۹۸ که اولین نشانه‌های شیوع ویروس کرونا در کشور شناسایی شد، همه گفتند که ویروس کرونا سلامت را نشانه رفته است. بعد اما ویروس میکروسکوپی، کسب و کارها و مشاغل مختلف را هم درگیر کرد و با تعطیل کردن مشاغل نه تنها سلامت که اقتصاد را هم زمینگیر کرد. در این شرایط برخی می‌گویند راه اندازی کسب و کار جدید می‌تواند خودکشی مالی به حساب آید. فرخنده خدادادی، دختر دهه هفتادی شوشتری اما خلاف این را ثابت کرده و به کمک خانواده‌اش کسب و کار را راه انداخته و چند نفر از بانوان سرپرست خانواده منطقه‌اش را هم مشغول به کار کرده است. فرخنده با وجود این که تخصصی در خیاطی نداشت، خطر کرد و همراه بانوانی که آنها هم از خیاطی چیز زیادی نمی‌دانستند، مهارت آموزی را شروع کردند و خیلی زود کسب و کارشان را کلید زدند تا علاوه بر اشتغالزایی به سهم خود کمبود ماسک و لباس‌های محافظتی بیمارستانی را نیز جبران کنند به همین دلیل خیاط‌خانه آنها این روزها برای بیمارستان‌های زیادی لباس‌های بیمارستانی می‌دوزد. اعضای این خیاط‌خانه آنقدر با یکدیگر صمیمی شده‌اند که اینجا را خانه دوم خود می‌دانند.

زندگی برای فرخنده خدادادی به قبل و بعد از شیوع ویروس کرونا در کشور تقسیم می‌شود. زمانی که ۲۷ ساله بود و به عنوان فارغ‌التحصیل رشته حسابداری در به در دنبال شغلی از این شرکت به شرکت دیگری در شهرش شوشتری می‌گشت تا شاید کاری پیدا کند اما دست از پا درازتر به خانه بازمی‌گشت تا دوباره در آن‌گهی‌های روزنامه‌ها به دنبال کار بگردد. فرخنده در آن روزهای سخت، فقط یک دلخوشی داشت و آن رفتن به خانه خواهر بزرگتر و آموختن خیاطی بود؛ کاری که از زمان کودکی به آن علاقه داشت اما هیچ وقت به دلیل درس و دانشگاه فرصت یادگیری آن را پیدا نکرده بود. این دختر جوان توضیح می‌دهد: «خواهرم دیپلم خیاطی دارد و از بچگی زمانی که پشت چرخ خیاطی می‌نشست، دوست داشتم خیاطی‌اش را ببینم.» فرخنده با دلخوشی‌های کوچکش روزها را می‌گذراند تا این که بهمن ۹۸ ویروس کرونا در کشور شایع شد.

فرخنده برای فرخنده خدادادی به قبل و بعد از شیوع ویروس کرونا در کشور تقسیم می‌شود. زمانی که ۲۷ ساله بود و به عنوان فارغ‌التحصیل رشته حسابداری در به در دنبال شغلی از این شرکت به شرکت دیگری در شهرش شوشتری می‌گشت تا شاید کاری پیدا کند اما دست از پا درازتر به خانه بازمی‌گشت تا دوباره در آن‌گهی‌های روزنامه‌ها به دنبال کار بگردد. فرخنده در آن روزهای سخت، فقط یک دلخوشی داشت و آن رفتن به خانه خواهر بزرگتر و آموختن خیاطی بود؛ کاری که از زمان کودکی به آن علاقه داشت اما هیچ وقت به دلیل درس و دانشگاه فرصت یادگیری آن را پیدا نکرده بود. این دختر جوان توضیح می‌دهد: «خواهرم دیپلم خیاطی دارد و از بچگی زمانی که پشت چرخ خیاطی می‌نشست، دوست داشتم خیاطی‌اش را ببینم.» فرخنده با دلخوشی‌های کوچکش روزها را می‌گذراند تا این که بهمن ۹۸ ویروس کرونا در کشور شایع شد.

● کارگاه خانوادگی

بعد از شیوع ویروس کرونا، زندگی برای فرخنده به شکل دیگری تغییر کرد. او مانند بسیاری دیگر خانه‌نشین شد اما فرخنده خود را با سوزن و پارچه سرگرم کرد. آن روزها یک چشم او به وسایل دوخت و دوزش بود و چشم دیگری به اخباری که هر روز از افزایش آمار ابتلا و مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا حکایت داشت. در این بین یک خبر اما بیشتر از همه خدادادی را به فکر انداخت.

او هنوز یادش است روزی را که در شبکه‌های اجتماعی مطالبی از کمبود ماسک و لباس‌های محافظتی در بیمارستان‌های شهرش خواند و به این ترتیب یک فکر بکر به ذهن او رسید؛ فکری که حتی اولش برای خود او هم عجیب و غیرقابل اجرا می‌آمد.

او می‌گوید: «من چند سالی بود به دنبال کار می‌گشتم و اعتماد به نفسم را از دست داده بودم اما بعد از شنیدن کمبود ماسک و لباس محافظتی، چشمم به نخ و سوزنی که با آن کار می‌کردم افتاد و فکر کردم که چرا من کسب و کاری راه نیندازم و یک کارگاه خیاطی لباس

داماد خانواده و برادرش یک خانه قدیمی اجاره کردند و چند چرخ خیاطی خریدند و در کارگاه جدید گذاشتند.

● فقط سرپرست خانواده

در مدت زمان کوتاهی، کارگاه راه اندازی شد. خدادادی نقشه خوبی برای استخدام در ذهنش داشت. او از همان روزهای اولی که تصمیم به راه اندازی کسب و کارش گرفت، نیت کرد فقط بانوانی را که سرپرست خانوار هستند، در کارگاه‌اش استخدام کند؛ به همین دلیل از همه دوستان، فامیل و همسایه‌ها، خواست تا بانوانی را که سرپرست خانوار هستند، برای کارکردن در کارگاه به او معرفی کنند. فرخنده در همان روزهای اول، خیاط‌های کارگاهش را پیدا کرد و ۴۰ بانوی سرپرست خانوار را به کار گرفت.

مشکلی بزرگ اما جلی پای این دختر دهه هفتادی وجود داشت؛ بسیاری از بانوان سرپرست خانواری که به او معرفی شده بودند، اصلاً نمی‌دانستند چطور باید نخ را سوزن کنند. خدادادی توضیح می‌دهد: «نیت کرده بودم که حتی اگر بانوی سرپرست خانواری نمی‌دانند چطور خیاطی کند را هم استخدام کنم.» به همین دلیل کار آموزش از همان ابتدا و در کارگاه شروع شد. بانوانی که از قبل خیاطی می‌دانستند پشت چرخ خیاطی نشستند و بقیه بانوان در بخش‌های دیگر مثلاً در

بخش بسته‌بندی یا در بخش اتوکاری مشغول به کار شدند.

خدادادی می‌گوید که در کنار کارهای روزانه اما هر روز، همه آموزش خیاطی هم می‌دیدند تا توانایی همه کسانی که استخدام شده بودند یکسان باشد و از توان هر کسی در صورت نیاز استفاد شود.

● چرخ کارگاه می‌چرخد

در روزهای ابتدایی شیوع ویروس کرونا که بسیاری از پرسنل بیمارستانی، حتی ماسک سه لایه نداشتند و کمبود ماسک و لباس محافظتی خطر ابتلا به کرونا را برای کادر درمان بیشتر می‌کرد، کارگاه فرخنده اولین کارگاهی بود که در زمینه لباس محافظتی و ماسک در شهر کوچک شوشت فعالیتش را آغاز کرد. آن زمان همه بیمارستان‌های شوشت، خوشحال شدند که یک کارگاه، لباس محافظت بیمارستانی و ماسک می‌دوزد؛ بنابراین از همان روزهای ابتدایی شروع به کار کارگاه، تناسب بین تقاضای بازار و عرضه باعث شد که سفارش‌های زیادی به کارگاه دختر دهه هفتادی گزارش ما روانه شود. فرخنده تعریف می‌کند: «در روزهای ابتدایی آنقدر سفارش داشتیم که حتی خودم و خواهرم هم پشت چرخ خیاطی می‌نشستیم تا سفارشات را به موقع به بیمارستان‌ها برسانیم.» پیک‌اول کرونا که تمام شد او و بانوان سرپرست خانوار فکر کردند کارگاه هم به تعطیلی کشیده می‌شود و نیاز بیمارستان‌ها به ماسک و لباس محافظتی اما همچنان وجود داشت. حالا فرخنده و بانوان سرپرست خانواده، روزانه هزار تا ۸۰۰ دست لباس محافظتی و ۴۰۰۰ ملحفه بیمارستانی برای بیمارستان‌های شهرهای شوشت، آبادان و ماهشهر می‌دوزند. خدادادی می‌گوید: «اعضای کارگاه برای من مثل یک خانواده‌اند و کارگاه خانه دوم ماست.» به همین دلیل با وجود مشکلات ریز و درشتی که در کارگاه وجود دارد، او سرسختانه تلاش می‌کند تا چرخ‌های خیاطی کارگاه از حرکت نایستند. فرخنده ادامه می‌دهد: «نه من و نه اعضای کارگاه، هیچ کدام مشکلی با هم نداریم و تنها نگرانی ما پرداخت اجاره بهاست.»

با وجود این که کارگاه با تعداد زیادی بیمارستان کار می‌کند اما بسیاری از بیمارستان‌ها، پرداختی‌های ماهانه را به موقع واریز نمی‌کنند و همین باعث می‌شود که رئیس جوان کارگاه نگران ادامه کار باشد. هرچند اعضای کارگاه با علاقه و اشتیاق به کار خودشان ادامه می‌دهند اما این دختر جوان باز هم نگران پرداخت حقوق اعضای کارگاه و تأمین مواد اولیه است.



یادداشت: محمد منتظری رئیس اداره آموزش‌های تخصصی هلال احمر

آموزش علیه حادثه

● ایران، کشوری حادثه‌خیز است بنابراین لازم است همه شهروندان آموزش امدادرسانی ببینند تا در مواقع حساس و در موقعیت‌های مناسب بتوانند گرهی از مشکلات را باز کنند.

در جمعیت هلال احمر اصول اولیه امدادرسانی در مواقع اضطراری به علاقه‌مندان آموزش داده می‌شود. جالب اینکه خانم‌ها از حضور در دوره‌های آموزش‌های همگانی بیشتر از آقایان استقبال می‌کنند و تمایل دارند در کلاس‌های آموزش‌های امداد و نجات، واکنش سریع، امداد کوهستانی و احیای افراد حادثه دیده شرکت کنند.

در این بین مهم‌ترین دوره‌های آموزشی تخصصی برای امدادگران نیز شامل جست‌وجو و نجات در کوهستان، جست‌وجو و نجات در آب‌های خروشان و سیلاب و امداد و نجات در حوادث جاده‌ای و شهری است. در واقع امدادگران پس از گذراندن این دوره‌های تخصصی و کسب مهارت عضو داوطلبان جمعیت هلال احمر می‌شوند. این درحالی است که برنامه‌های آموزشی در جمعیت هلال احمر براساس نیازسنجی سالانه توسط کارشناسان انجام می‌گیرد و این مهم بستگی به حوادث شایعی دارد که استان‌ها با آن درگیر هستند.



برای نمونه در استان‌های ساحلی آموزش‌های تخصصی نجات غریق در استان‌های کوهستانی، نجات کوهنوردان و حوادث کوهستان و در استان‌هایی که تردد جاده‌ای در آن زیاد است حوادث جاده‌ای آموزش داده می‌شود.

جمعیت هلال احمر نیز از حضور داوطلبان برای شرکت در کلاس‌های آموزشی استقبال می‌کند؛ چراکه وقتی شهروندان بداند هنگام مواجهه با مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی چگونه باید رفتار کنند از تحمیل خسارات جانی و مالی به جامعه پیشگیری می‌کند.

در کشور پرمخاطره و حادثه‌خیز ما تنوع فرهنگ وجود دارد و به همین دلیل با توجه به شرایط هر منطقه باید برای ارتقای شرایط امداد و نجات تلاش کرد. این مهم خارج از نوع مخاطرات توجه به رفتار درست و مناسب برای امدادرسانی را هم می‌طلبد اما آنچه بیشتر از امداد و نجات و به کارگیری افسران متخصص مهم است، آموزش‌های پیشگیرانه است. آموزش‌هایی که قبل از وقوع مخاطرات ارائه می‌شود. برای رسیدن به این هدف، حدود ۷۰۰ نفر مربی در جمعیت هلال احمر به کار گرفته شده‌اند. این درحالی است که بیش از نیمی از این مربیان را بانوان تشکیل می‌دهند بنابراین باید یادآور شد که برای جمعیت هلال احمر حضور خانم‌ها در امدادرسانی مهم است؛ چراکه می‌توانند در کنترل بحران و حوادث بسیار تأثیرگذار باشند.